

فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies

شماره بیست و یکم، بهار ۱۳۹۷، صص ۸۷-۷۷ Vol 21. No 21. 2018, p 77-87

شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

نقش پلیس در پیشگیری از جرم

قاسم مرادی^۱. علی جودکی^۲

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه علوم و تحقیقات تهران، ایران

moradi0467@gmail.com

۲. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد، ایران

چکیده

پلیس سازمان امنیتی - انتظامی است است که در تمام کشورها، از جمله، وظیفه پیشگیری از جرایم را بر عهده دارد و بیش تر اولین نماینده عدالت کیفری است که با شهروندان در ارتباط می‌باشد. به همین دلیل نوع برخورد پلیس با مردم در شکل‌گیری طرز تلقی صحیح یا اشتباه از نظام امنیت شهری واجد اهمیت سیاسی است. جامعه امروزی برای حل مؤثر مشکل جرایم و برقراری امنیت اجتماعی که حق مسلم هر انسانی است، چشم امید به سوی پلیس دوخته است. تفکرات و راهبردهای پلیس نیز در حل معضل جرم و پیشگیری از وقوع آن با گذشت زمان سیر تکاملی به خود گرفته است. بررسی نقش محوری پلیس در پیشگیری از جرم و اهمیت وجود پلیس در پیشگیری و نقش تأمین کننده امنیت در این حوزه از اهداف این مطالعه است. پیشگیری از جرم یکی از جلوه‌های سیاست داخلی است که ارتباط تنگاتنگی با نظام سیاسی حاکم بر جوامع بشری دارد و از مؤلفه‌های مؤثر و مهم در ایجاد جامعه امن است. امروزه پلیس با بهره گیری از علوم مختلفی از جمله پیشگیری وضعی، جرایم را می‌تواند تشخیص دهد و تحلیل کند و راهکارهایی برای رفع آن‌ها ارائه دهد و از این رهگذر عملکرد خود را نیز ارزیابی کند.

واژه‌های کلیدی: پلیس، پیشگیری، امنیت، جرم

مقدمه

یکی از راهبردهای اساسی در حوزه کنترل اجتماعی «پیش گیری» است. راهبردهای عمدتاً پیشین و مشکل از راهکارهای مستقیم و غیرمستقیم که با هدف ایجاد امکانات و موقعیت‌های بازدارنده از جرم مطرح می‌شود. منظور ما از پیش گیری، مجموعه اقدام‌های سیاست جنایی به استثنای اقدام‌های کیفری است که غایت و هدف انحصاری یا لاقل جزئی از آن اقدامات، محدود کردن امکان وقوع مجموعه‌ای از جرایم از طریق غیرممکن کردن ارتکاب جرم، اجتناب کردن از ارتکاب جرم و کاهش احتمال‌های ارتکاب جرم است (سادati، ۱۳۹۰: ۲).

با وجود این، واژه پلیس در قوانین و مقررات و نیز در افکار عمومی به طور کلی با مفهوم سرکوبی جرم و مجازات همراه بوده است، اما از آغاز سال‌های دهه هفتاد میلادی، با پذیرش نهاد پیش گیری به عنوان قلمرو جدید سیاست کیفری در کنار قلمرو سنتی آن یعنی سرکوبی، بینش نوینی از مأموریت پلیس در جامعه مطرح شد.

بر همین اساس بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷، پیش گیری از وقوع جرم را از جمله وظایف نیروی انتظامی دانسته که به عنوان ضابط قوه قضاییه عهده‌دار انجام آن می‌باشد. به این شکل وظایف متنوعی برای پلیس به منظور پیش گیری از وقوع جرم و جلوگیری از وقوع وضعیت‌های خطرناک و جرمزا به وجود آمده است (سادati، ۱۳۹۰: ۲-۳).

طبق قانون تشکیل نیروی انتظامی ۲۶ وظیفه برای این نیرو احصاء شده که در آن‌ها ناجا در تأمین امنیت نقش کلیدی دارد. کار ویژه تأمین امنیت توسط پلیس به عنوان یکی از ارکان‌های مهم تأمین امنیت توسط بسیاری از پژوهش‌گران مورد تأکید قرار گرفته است. اما آنچه در این تحقیقات مهم جلوه می‌کند تأکید بر نقش جامعه محور پلیس است. اگرچه پلیس سنتی سازمانی دولتی تصور می‌شد که اساساً مسئول اجرای قانون است و نقش پلیس در حل مشکل جرم و جنایت خلاصه می‌شد، اما در رویکرد جامعه محور پلیس علاوه بر داشتن نقش‌های سنتی، به دنبال نوعی الگوی پلیسی مبتنی بر ارتقاء روابط و تعامل پلیس با جامعه مخدوم خود در پیش گیری و کنترل جرم است. آنچه محققین امور پلیسی در آن اشتراک نظر دارند این است که پلیس جامعه محور اساساً پلیسی در دسترس و مجاور است (راعی دیزج، گلابی، امین‌پور، ۱۳۹۳: ۱۱۶).

مفهوم‌شناسی

جرائم:

عبارت است از اعمالی که سبب نقض قانون جنایی می‌شود. دائره‌المعارف علوم اجتماعی در تعریف جرم آورده است: «اختیار از حقوق جنایی در زبان روزمره؛ این اصطلاح نادرست در مردم هر رفتار مغایر با الگوهای پذیرفته جامعه به کار می‌رود» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۵۲).

تعریف جرم در روان‌شناسی جنایی چنین آمده است: «جرائم عبارت از سرکشی فرد در برابر اجتماع است که به وسیله مقررات قانونی تغییر شده است و بر حسب شدت و ضعف از نظر حقوقی سه نوع است: خلاف، جنحه، جنایت» (سیاسی، ۱۳۶۰: ۱۲).

واژه پیش‌گیری یک مفهوم کلی است که به مجموعه اقدام‌هایی گفته می‌شود که برای پیش‌گیری و جلوگیری از فعل و انفعالات زیان‌آور تحمیل شده بـر فـرد یا گـروـه، به عمل مـی‌آـید: مـانـد پـیـشـگـیرـی اـز بـزـهـکـارـیـ جـوـانـانـ، پـیـشـگـیرـی اـز حـوـادـثـ جـادـهـایـ، پـیـشـگـیرـی اـز حـوـادـثـ کـارـ وـ .ـ .ـ .ـ اـز دـیدـگـاهـ علمـیـ منـظـورـ اـز پـیـشـگـیرـی هـرـگـونـهـ فـعـالـیـتـ اـجـتمـاعـیـ، سـیـاسـیـ وـ جـنـایـتـ استـ برـایـ مـحـدـودـ کـرـدنـ اـمـکـانـ پـیـشـ آـمـدـنـ مـجمـوعـهـ اـعـمـالـ مجرـمانـهـ، دـشـوارـ سـاخـتـنـ، غـيرـمـمـكـنـ کـرـدنـ وـ پـایـنـ آـورـدنـ اـحـتمـالـ وـقـوعـ جـرمـ، بـدـونـ اـيـنـ کـهـ بـهـ کـیـفـرـ یـاـ جـزـایـ آـنـ متـوـسـلـ شـونـدـ.

جرائم‌شناسان نیز پیش‌گیری از جرم را به دو گونه علمی تعریف می‌کنند:

الف: تعریف عام: در این تعریف، پیش‌گیری از جرم هر اقدامی است که از ارتکاب جرم جلوگیری و در مقابل آن سد ایجاد کند. این اقدامات شامل جنبه کفری یا غیرکفری است. بر اساس این تعریف هر اقدامی که علیه جرم و برای مقابله با آن طراحی شده باشد و موجب کاهش میزان بـزـهـکـارـیـ وـ جـرمـ شـودـ، در حوزه تعریف عام پـیـشـگـیرـیـ قـرارـ مـیـگـیرـدـ.

ب: تعریف خاص: در این تعریف نقطه نظرات متفاوتی میان جرم‌شناسان وجود دارد که به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. عده‌ای از جرم‌شناسان بر این اعتقادند که پیش‌گیری از بـزـهـکـارـیـ عـبـارتـ اـزـ: وـسـایـلـ وـ اـبـزارـیـ کـهـ دولـتـ وـ جـامـعـهـ مـدـنـیـ بهـمنـظـورـ خـاصـ مـهـارـ بـزـهـکـارـیـ اـزـ طـرـیـقـ حـذـفـ یـاـ مـحـدـودـ کـرـدنـ عـوـاـمـلـ جـرمـزاـ وـ یـاـ مدـبـیرـیـتـ منـاسـبـ نـسـبـتـ بـهـ عـوـاـمـلـ مـحـیـطـیـ (مـحـیـطـ طـبـیـعـیـ یـاـ مـحـیـطـ اـجـتمـاعـیـ)ـ بـهـ کـارـ مـیـ گـیرـندـ.

۲. برخی دیگر از جرم‌شناسان معتقدند که پیش‌گیری از جرم در برگیرنده تدبیر و اقداماتی است که میزان بـزـهـکـارـیـ رـاـ کـاهـشـ دـهـ؛ بـدـینـ صـورـتـ کـهـ اـزـ یـکـ سـوـ عـلـلـ اـثـرـگـذـارـ بـرـایـ اـرـتـکـابـ جـرمـ رـاـ شـناـسـایـ کـرـدهـ وـ اـزـ سـوـیـیـ دـیـگـرـ اـبـتـکـارـاتـ منـاسـبـیـ رـاـ بـرـایـ مـبـارـزـهـ بـاـ اـنـ عـلـلـ اـعـمـالـ کـنـدـ.

۳. گـروـهـیـ دـیـگـرـ نـیـزـ برـ اـینـ باـرـندـ کـهـ پـیـشـگـیرـیـ اـزـ بـزـهـکـارـیـ مـجـمـوعـهـ اـقـدـامـاتـ غـيرـقـهـرـآـمـیـزـیـ استـ کـهـ برـایـ تـحـقـقـ هـدـفـ وـیـژـهـ، یـعنـیـ مـهـارـ بـزـهـکـارـیـ، کـاهـشـ اـحـتمـالـ وـقـوعـ جـرمـ وـ کـاهـشـ شـدتـ بـزـهـ درـ مـورـدـ عـلـلـ جـرـائـمـ اـتـخـاذـ مـیـشـودـ.

۴. عده‌ای دیگر تأکید دارند که پـیـشـگـیرـیـ هـرـ تـدـبـیرـ سـیـاسـتـ جـنـایـتـ استـ کـهـ هـدـفـ نـهـایـیـ آـنـ تـهـدـیدـ حدـودـ اـمـکـانـ پـیـشـامـدـ مـجـمـوعـهـ اـعـمـالـ جـنـایـتـ، اـزـ رـاهـ غـيرـمـمـكـنـ سـاخـتـنـ، دـشـوارـ کـرـدنـ یـاـ کـاهـشـ دـادـنـ اـحـتمـالـ وـقـوعـ آـنـهـاستـ، بـدـونـ اـيـنـ کـهـ اـزـ تـهـدـیدـ کـیـفـرـ یـاـ اـجـرـایـ آـنـ استـفـادـهـ شـودـ (احـسانـیـ، ۱۳۸۷: ۴۱-۳).

چرا پیش‌گیری؟

اگر در صدد پیش‌گیری اصولی از جرم باشیم، باید به بررسی و تحلیل علل آن پردازیم. لزوم پیش‌گیری از جرم دارای منطقی عقلانی است. منطق عقلانی پیش‌گیری از جرم حداقل دارای سه وجه است: ۱- تورم بزه کاری؛ ۲- وجه اقتصادی؛ ۳- وجه اجتماعی.

درباره تورم بزه کاری، آمارهای رسمی در ایران بهویژه در مورد نوجوانان و جوانان نشان دهنده افزایش نرخ بزه کاری است. این بررسی‌ها در سال ۱۳۷۹ فقط در مورد جرایم مواد مخدر نشان می‌دهند که هر روز، ۵۰۰ نفر نوجوان به جرگه معتادان می‌پیوندند. بر همین مبنای در سال ۱۳۸۲ اعلام می‌شود که سن اعتماد در کشور ۵ سال کاهش یافته است. از سوی دیگر، به حداقل رسیدن فاصله زمانی میان وقوع اولین ناهنجاری تا ارتکاب اولین جرم حرفه‌ای، و عدم پایبندی به قانون از سوی ۶۴ درصد تا ۷۰ درصد مردم جامعه حکایت از تورم میزان بزه کاری دارند. تورم بزه کاری تنها گربیان‌گیر کشور ما نیست بلکه مسئله‌ای جهانی است. این دغدغه تا آن‌جاست که سازمان ملل متعدد تا سال ۱۹۹۵ حداقل ۱۰ کنگره تشکیل داده و چندین قطعه‌نامه با موضوع پیش‌گیری از جرم تصویب کرده است.

وجه اقتصادی ناشی از گزینش عقلانی است؛ بدین معنا که انسان موجودی حساب‌گر است و در انتخاب‌های خود به محاسبه‌ی سود و زیان خویش دست می‌زند. تحقیقات در مورد نفع اقتصادی برخی از طرح‌های پیش‌گیرانه مانند مراقبت‌های اوان کودکی به عنوان یک راهکار پیش‌گیرانه اجتماعی نشان می‌دهد که به ازای هر یک دلار هزینه، تا ۷/۵ دلار صرف‌جویی به دنبال داشته است. یا مثلاً هزینه کمک به دانش‌آموزان برای اتمام تحصیل و عدم ترک مدرسه، هشت برابر کمتر از هزینه‌های برخوردن نظام عدالت کیفری با بزه کاری‌های آتی آنان است. از سوی دیگر، حل و فصل جرم از طریق عدالت کیفری بسیار هزینه‌بر است که هزینه جرم، معادل ۵ درصد و در کشورهای توسعه یافته، ۱۴ درصد تولید ناخالص ملی است. مبنای جنبه اجتماعی منطق عقلانی، خیرخواهی و نوع دوستی انسان‌ها است.

با اوصاف فوق اگر مسئولیت برنامه‌ریزی و اجرای تدابیر پیش‌گیرانه جدی گرفته نشود، پیامدها و آثار به مراتب وخیم‌تری بر جامعه تحمیل خواهد شد (مقیمه‌ی، رفعتی اصل، ۱۳۸۹: ۶۵-۶).

رویکردهای پلیسی پیش‌گیری از جرم

نتایج حاصل از تحقیقات مربوط به بازدارندگی مجازات‌ها و ارزیابی‌های صورت گرفته از میزان کارآیی نظام عدالت کیفری در کنترل میزان جرم و پیش‌گیری از آن، منجر به شکل‌گیری رویکرد جدیدی به نام رویکرد چند نهادی به پیش‌گیری از جرم شده است. در این رویکرد، پیش‌گیری مؤثر از جرم زمانی صورت می‌گیرد که تمامی کنش‌گران غیررسمی و رسمی دخیل در زمینه پیش‌گیری به تعامل با یکدیگر دست یابند.

پیش‌گیری پلیسی بر قابلیت‌های نیروی پلیس در تحقق اهداف پیش‌گیری از جرم مبتنی است به عبارت دیگر مبنای پیش‌گیری پلیس، اختیارات و توانایی‌های نیروی پلیس در پیش‌گیری از جرم در جامعه است. پلیس یکی از اجزای نظام عدالت کیفری است که در پیش‌گیری از جرم، امکان مداخله کیفری و غیرکیفری را دارد. نیروی پلیس به لحاظ داشتن اختیارات و ابزار ویژه می‌تواند، نقش بسزایی در کاهش نرخ جرایم خواه پیش از وقوع جرم و خواه پس از آن داشته باشد. از آن‌جا که پیش‌گیری از جرم اصولاً مبتنی بر دو شیوه است (یعنی پیش‌گیری کیفری: پیش‌گیری بر نظام عدالت کیفری و پیش‌گیری غیرکیفری: پیش‌گیری از جرم خارج از نظام عدالت کیفری) بررسی مبانی پیش‌گیری پلیس مستلزم تبیت این مطلب است که این پیش‌گیری چگونه و تا چه میزان می‌تواند بر جهت تحقق اهداف پیش‌گیری کیفری و غیرکیفری مؤثر باشد. از این‌رو، پیش‌گیری پلیس، مجموعه تدبیر و اقدامات کنشی و واکنشی نیروی پلیس است که با حمایت از افراد در معرض خطر، افزایش آگاهی عمومی، نظارت بر اماکن، افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم و مداخله وقوع جرم در صدد پیش‌گیری از ارتکاب جرم در جامعه است. در مداخله کیفری، پلیس با سرعت و قدرت در فرآیند تعقیب و دستگیری، که خود یکی از عوامل بازدارنده نسبت به ارتکاب مجدد بزه است، فعالیت پیش‌گیرانه خود را انجام می‌دهد. جزء بازدارنده و ارعابی مداخله کیفری پلیس از سویی و بالا بردن احتمال دستگیری و افزایش ریسک ارتکاب جرم، قصد تمایل مجرمان احتمالی برای ارتکاب بزه را کاهش می‌دهد. و در پیش‌گیری غیرکیفری نیز پلیس از طریق مداخله و طراحی برنامه‌های پیش‌گیرانه از طریق نظارت بر مجرمان سابقه‌دار، گشت‌های خیابانی، نظارت بر مناطق جرم‌زا، نصب دوربین مدار بسته در معابر عمومی و جرم و بسیاری دیگر از برنامه‌های پیش‌گیرانه، پیش از ارتکاب جرم، آن را به کنترل خود درمی‌آورد (اکرمی، اکبری، ۱۳۹۵).

مراحل پیش‌گیری از وقوع جرم در فقه

اگرچه در متون فقهی بخش خاصی تحت پیش‌گیری از جرم وجود ندارد، اما با استخراج و دسته‌بندی کلیه مطالب که با این مبحث مرتبط است می‌توان گفت که اسلام در زمینه پیش‌گیری، دو مرحله دارد: مرحله اول به معرفی و پیش‌گیری از عوامل عمومی کلیه جرائم پرداخته که این مرحله را پیش‌گیری اولیه نام نهاده‌اند که مترادف پیش‌گیری از عوامل عمومی یا پیش‌گیری ابتدایی می‌باشد. در مرحله بعد به تبیین عوامل خصوصی جرم پرداخته و متعاقباً راههای پیش‌گیری از همان دسته از جرائم را بیان کرده است که این مرحله را پیش‌گیری ثانویه نام نهاده‌اند که همان پیش‌گیری خصوصی یا پیش‌گیری ثانویه است.

۱- پیش‌گیری اولیه از وقوع جرم

گاهی اوقات انسان از نظر اجتماعی، اقتصادی، روانی، در چنان وضعیت غیرعادی و نامتعادلی قرار می‌گیرد که آگاهانه یا ناآگاهانه دست به ارتکاب جرم می‌زند، لذا باید افراد را در شرایط عادی تحت آموزش

مستقیم و غیرمستقیم قرار داد و آنان را با نتایج زیانبار افعالی که ممکن است در هر یک از شرایط فوق عارض گردد آشنا ساخت تا از ارتکاب جرم خودداری نمایند. این نوع از پیش‌گیری مشتمل بر اقداماتی است که موجب از بین بردن یا کاهش دادن فرصلهای مجرمانه می‌شود و یا از بوجود آمدن آنها جلوگیری می‌کند بدون این که به جرم یا مجرم خاصی توجه داشته باشد و قبل از این که هیچ‌گونه علایم و نشانه‌هایی از بزه کاری بروز کرده باشد. این روش عمده‌تاً متمایل به تفسیر اوضاع و احوال و شرایط جرم‌زای محیط فیزیکی و اجتماعی است (یعنی بهبود شرایط زندگی).

۲- پیش‌گیری ثانویه از وقوع جرم

در این نوع پیش‌گیری، اقدامات در ارتباط با افراد و گروه‌هایی صورت می‌گیرد که در معرض ارتکاب جرم قرار گرفته‌اند و در صورتی که اقدام بازدارنده‌ای نسبت به آن‌ها صورت نگیرد، مرتکب جرم خواهد شد. بنابراین، هدف این نوع پیش‌گیری، تشخیص مجرمان با القوه و مداخله در وضع ما قبل جنایی به‌منظور جلوگیری از وقوع جرم است. تفاوت اصلی این نمونه با نمونه پیش‌گیری اولیه در این است که در پیش‌گیری اولیه برنامه‌ها و اقدامات پیش‌گیرانه به‌منظور جلوگیری از پدید آمدن وضعی است که می‌تواند موجب وقوع جرم شود اما در پیش‌گیری ثانویه بر تلاش‌ها و وضعی متمرکر است که قبلًاً پدید آمده و موجب قرار گرفتن افراد و گروه‌ها در آستانه ارتکاب جرم شده است (توسلی، صادقی، ۱۳۹۴: ۴۷-۸).

رویکردها و کارکردهای پلیس

از منظر مفهوم اقتدار، پلیس در درون جامعه دستگاهی است که موجبات همکاری میان دولت و حوزه عمومی را فراهم می‌کند. بنابراین، پلیس نقشی مضاعف دارد؛ از یک سو، نیروی دولتی اجرآمیزی است که قدرت مشروع اجراء فیزیکی را به صورت قانونی در اختیار دارد و از سوی دیگر، یک نیروی مدنی است که هیچ فاصله‌ای میان او و مردم از این حیث وجود ندارد. ما تصاویر و جلوه‌های قدرت و مدنیت پلیس را هر روز در خیابان‌های شهر، در اماکن عمومی، رسانه‌ها و ... مشاهده می‌کنیم.

جلوه نخست، یعنی اقتدار دولتی پلیس، در تأمین نظم، استقرار و حفظ امنیت متجلی می‌شود. هم‌چنان که دولت نماد قدرت، قانون و نظم است، پلیس هم تجسم ویژگی‌های نظام سیاسی می‌باشد و ساختار یک نظام سیاسی در عمل پلیسی نمود می‌یابد.

بعد دوم، یعنی هویت مدنی و رویکرد پلیس، بیشتر در سطح عوامل پلیسی در حیطه عمل و رفتار پلیس ظهور می‌یابد؛ بدین معنا که پلیس با حفظ هویت سازمانی خود و با توجه به نوع فعالیت، وارد حوزه عمومی می‌شود و با شهروندان در فعالیت مدنی و اجتماعی مشارکت می‌جوید. پاسخ‌گویی به دریافت کنندگان خدمات پلیسی، تعامل ارتباطی با مردم و شهروندان و آموزش آنان از وجوده و کارکردهای مدنی و اجتماعی پلیس می‌باشد. منشأ و پیدایش پاسخ‌گویی، به تعامل حوزه عمومی و حوزه قدرت، یعنی ارتباط

دولت و جامعه مدنی باز می‌گردد. در واقع نهادهای مدنی و شهروندان که طی فرآیندهای قانونی، قدرت و حق حاکمیت خود را به حکومت واگذار می‌کنند، در مقابل خواستار خدمات و عملکرد دولت می‌باشند که از این منظر، دولت باید در برابر شهروندان پاسخ‌گو باشد. در این رویکرد، مسئولیت و قدرت پلیس که به طور غیرمستقیم از ناحیه شهروندان تفویض شده است، مستلزم و موجب پاسخ‌گویی پلیس، به حوزه عمومی، یعنی مصرف کنندگان خدمات پلیسی، می‌باشد (در این معنا، پلیس پاسخ‌گو همواره خود را با تحولهای جامعه و سازوکارهای جدید مدنی هم‌سو می‌سازد و در چارچوب‌های رویکرد سنتی پلیسی باقی نمی‌ماند). (ستوده گندشمن، دیندار بوسجین، ۱۳۹۳: ۱۳-۱۲).

رویکرد پلیس زن در پیش‌گیری وضعی از جرایم علیه زنان

۱- افزایش خطر شناسایی و دستگیری مجرمان

پلیس زن یکی از اهرم‌های قوی کنترل بزه کاری علیه زنان می‌باشد و بهینه کردن استفاده از این نیرو و ساماندهی آن می‌تواند در کاهش آمار بزه کاری علیه زنان نقش مؤثر و قطعی داشته باشد. یکی از اهداف اصلی این گونه اقدامات، پیش‌گیری از جرایم از طریق تهدید مجرمان بالقوه به توقيف است. استقرار پلیس زن در مکان‌های آسیب‌پذیر و خاص، اقدامی در چارچوب پیش‌گیری وضعی محسوب می‌شود و می‌تواند ضمن شناسایی و حمایت از زنان آسیب‌پذیر و آسیب‌دیده، در جهت اصلاح و بازپروری جسمی و روانی آنان گام بردارد، مسلماً با این گونه اقدامات کشی، وضعیت و اوضاع و احوال ما قبل و مشرف بر بزه کاری به ضرر مجرم تغییر می‌کند و از ارتکاب جرم در آن محدوده زمانی و مکانی یا نسبت به آماج معین پیش‌گیری می‌شود (فداد، ۱۳۹۱: ۶-۵).

۲- جلوگیری از بروز جرم بر اساس جنسیت در مکان‌های جرم‌خیز

یکی از مهم‌ترین راه کارهای پیش‌گیری وضعی قراردادن مأمور در مواجهی است که وقوع جرم علیه زنان و کودکان توسط زنان بزه کار محتمل است. در بسیاری از مکان‌هایی که خطر وقوع جرم در سطح بالای وجود دارد، صرف حضور مأموران پلیس زن در امر پیش‌گیری از جرایم مؤثر است؛ زیرا حضور پلیس زن این حس را در زنان بزه کار ایجاد می‌کند که با سوء استفاده از جنسیت و پوشش و مسائل شرعاً نمی‌توانند از زیر بار عواقب جرم فرار کنند و یا احیاناً آثار و مدارک جرم را به روش‌های زنانه محو و معدوم نماید یا به فرار سایر مجرمان کمک کنند.

هم‌چنین برخورد پلیس زن آموزش دیده با زنان بزه کار می‌تواند بسیار سازنده باشد؛ به نحوی که ضمن بررسی دقیق جرایم این گونه افراد با ظرافت‌های زنانه، از برچسب زدن و ایجاد حقارت و در نتیجه، غلتاندن زنان مستعد جرم به ورطه جرم و جنایت‌های بعدی جلوگیری کند.

۳- مراقبت از آماج‌های جرم در مقابل مجرمان

از جمله وظایف پلیس زن در راستای پیش‌گیری وضعی از ارتکاب جرم، گشتزنی و کنترل دقیق در خیابان‌ها و مناطق آسیب‌پذیر برای حمایت از زنان و کودکانی است که در معرض حمله و هجوم مجرمان قرار می‌گیرند، بهویژه در مورد زنان که ممکن است در محل‌های جرم خیز مورد حمله و آزار و اذیت مجرمین قرار گیرند.

از جمله وظایفی که پلیس زن باید در هین پیش‌گیری از جرم بدان توجه نماید، حمایت از زنان آسیب‌دیده پس از وقوع جرم و برقراری ارتباط عاطفی با آنان است؛ زیرا معمولاً زنان جهت حفظ آبرو و حیثیت و ترس از انتقام‌جویی بزه‌کار بسیاری از جرایم را گزارش نمی‌دهند.

آسیب‌پذیری زنان بر پایه معیار ضعیف بودن از نظر جسمی نیز باید مهم تلقی شود. در این جرایم معمولاً زنان آماج‌های مناسبی برای بزه‌کاران انگاشته می‌شوند و چنان‌چه فرد نیز در فراهم آوردن وضعیت وقوع جرم نقش داشته باشد، به آسانی بزه‌دیده می‌شود. حمایت از زنان آسیب‌پذیر و آسیب‌دیده به تدریج به حمایت از قربانیان غیرمستقیم، یعنی افرادی که به نوعی با قربانی مستقیماً در ارتباط بوده یا تحت تکفل او هستند، نیز مرتبط می‌شود. بزه‌دیده در صورتی که امنیت داشته باشد، جرأت می‌کند به طرح دعوی و احراق حقوق خود، شناسایی مجرم یا مجرمان اقدام نماید. تأمین امنیت بزه‌دیدگان و گواهان آنان نه تنها مستلزم پیش‌بینی تدابیری برای جلوگیری از ورود آسیب‌های احتمالی هنگام رویارویی با متهم است، بلکه فراتر از آن در بردارنده تدابیری است برای پیش‌گیری از تهدیدها یا اقدامات تلافی‌جویانه متهم یا خانواده و دوستان او (قنا، ۱۳۹۱: ۱۰۶-۱۰۷).

نقش و جایگاه نیروی انتظامی در حفظ تأمین امنیت انسانی در کشور

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که به موجب قانون تشکیل نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷ از ادغام شهریانی و ژاندارمری و کمیته انقلاب اسلامی به وجود آمده است، به موجب ماده ۳ قانون مذکور وظیفه استقرار نظام و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی را بر عهده دارد - امنیت انسانی با حوزه‌های هفتگانه مرتبط با آن، نیز بالطبع در مأموریت نیروی انتظامی قرار می‌گیرد زیرا استقرار نظام و امنیت و تأمین آسایش فردی و عمومی از ملزمات امنیت انسانی هستند و به عنوان مبنا و پایه آن بهشمار می‌روند (عبداللهی، حسینی، ۱۳۸۵: ۴۶).

جرائم و ناامنی؛ تهدید جدی برای امنیت انسانی

تقریباً در هر جایی از کره زمین، شاخص‌های جرائم علیه اشخاص و اموال رو به رشد است. بین سال‌های ۱۹۷۵ و ۱۹۹۰، شمار جرائم سالیانه گزارش شده در جهان، از ۳۵۰ میلیون مورد به ۵۰۰ میلیون مورد افزایش پیدا کرد. بنا به آمار سازمان ملل متحد، جرائم خشونت‌آمیز در خلال دهه متنه به سال ۲۰۰۰، در حدود

۱۰٪ رشد داشته است. جرائمی نظیر سرفت، زورگیری و کلاهبرداری، ۷۰٪ جرائم گزارش شده را تشکیل می‌دهند و بین سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، ۳۰٪ افزایش یافته‌اند. در مورد تمام دسته‌های جرائم، بیش از سه چهارم این جرائم در مناطق شهری ارتکاب یافته است. سرفت و حمله از علل اصلی بزهديدگی در کشورهای صنعتی بوده است. در بسیاری از کشورها، رشد اقتصادی و توسعه شهری همراه با دو یا سه برابر شدن جرائم نسبت به ۱۰ یا ۲۰ سال قبل است.

هر چند که خطر بزهديدگی در هر شهر یا محله‌ای نسبت به شهر یا محله دیگر متفاوت است، با این حال این امر نیز واقیت دارد که ساکنین مناطق مسکونی و تجاری اهداف بهتری برای بزه کاران هستند. نرخ جرائم علیه اموال اساساً با خصوصیات زندگی شهری مانند تراکم بالای جمعیت، گمنامی، کثافت کالاهای گرانها و توسعه شهری (که فرصت‌های بیشتری را برای ارتکاب جرم ارائه می‌دهد)، افزایش پیدا می‌کند. خواه در یک شهر آفریقایی یا در یک مرکز شهری در یک کشور صنعتی، نرخ سرفت (یکی از شایع‌ترین جرائم علیه اموال) یکی از بهترین شاخصهای سطح کلی جرم در یک منطقه معین به شمار می‌رود. خشونت جلوه‌های مختلفی دارد. خشونت علیه زنان و کودکان، وضعیت خاص و هشدار دهنده‌ای داشته و محدود کردن آن دشوار است. در حالی که این جرم به جای فضاهای عمومی در اماکن خصوصی اتفاق می‌افتد، هزینه‌های اجتماعی و انسانی این شکل گستردۀ از خشونت قابل توجه است. خشونت هم‌چنین با واقع شدن در یک محیط بسیار پیچیده به وسیله تمام عوامل مستقیم یا غیر مستقیم مرتبط با بحران‌های اقتصادی، محرومیت اجتماعی، جریان مهاجرت و پاشیدگی روابط اجتماعی، به سوء کار کرد اجتماعی و بازتولید گرایش‌های خشن کمک کرده است (محمد نسلی، ۱۳۸۷: ۳۶۸).

نتیجه‌گیری:

امنیت اجتماعی به عنوان متغیر وابسته دارای ابعاد عینی، ذهنی، روانی و فرهنگی است که این ابعاد از مستندات بالادستی و نظر صاحب‌نظران غربی و اسلامی استنباط و استخراج گردیده است. هر یک از ابعاد مورد نظر دارای گویه‌هایی می‌باشد که این گویه‌ها قابل اندازه‌گیری بوده و نقش آن‌ها در ساختن بعد مورد نظر و نهایتاً در تأمین امنیت اجتماعی کاملاً برجسته است و در مجموع برآیند شاخص‌ها منجر به احساس امنیت در جامعه و مردم می‌گردد. منظور از بعد عینی، کاهش یا قدردان جرم یا جنایت و نهایتاً تاهمجاری‌های اجتماعی است که از مهم‌ترین شاخص‌های وجود امنیت در جامعه می‌باشد. نقش پلیس در کنترل جرایم و سالم‌سازی محیط اجتماعی با انجام اقدام‌های پیش‌گیرانه و اقدام‌های بازدارنده نقشی مؤثر بر امنیت می‌باشد. منظور از بعد ذهنی آن بعد از امنیت اجتماعی است که با احساس و ادراک عموم در بود و نبود امنیت مستقیماً سر و کار دارد. شاخص‌های این بعد از امنیت دقیقاً بر امنیت اجتماعی مؤثر است و به رضامندی و عدم رضایت مردم از پلیس ارتباط مستقیم دارد، کارآمدی و توانمندی پلیس در ایجاد و امنیت اجتماعی ارتباط مستقیم با احساس امنیت مردم از وجود یا عدم وجود امنیت دارد. بعد فرهنگی امنیت

اجتماعی به طور دقیق مربوط به وجود ارزش‌ها، باورها و اعتقادهای دینی مردم بوده و در حال حاضر به عنوان جدی‌ترین مشکل در بحث امنیت اجتماعی است. آخرین بعد امنیت اجتماعی، بعد روانی است که به امنیت جان، مال، شغل، اندیشه، آزادی، امنیت قضایی و انتظامی افراد جامعه مربوط می‌شود که مرتبط با حاکمیت و نهادهای آن در تأمین امنیت اجتماعی مردم می‌گردد و شاخص‌های آن نیز قابل اندازه‌گیری می‌باشد (موسوی فرد و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۳).

فهرست منابع و مأخذ:

- احسانی، بهمن (۱۳۸۷)، نقش طراحی محیطی در پیش‌گیری از جرم، مقالات ارسالی اولین همایش ملی پیش‌گیری از جرم، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیش‌گیری ناجا.
- اکرمی، سام؛ اکبری، عاطفه (۱۳۹۵)، نقش پلیس در پیش‌گیری از جرم قاچاق کالا، کنفرانس ملی فقه، حقوق و روان‌شناسی.
- توسلی، محمدحسین؛ صادقی، محمدامین (۱۳۹۴)، آموزه‌های اسلامی پیش‌گیری از جرم، سال دوازدهم، شماره ۳۲، ص ۷۳-۴۲.
- راعی دیزج، توحید؛ گلابی، فاطمه؛ امین‌پور، فرشته (۱۳۹۳)، بررسی تأثیر عملکرد پلیس در ایجاد امنیت روانی سرمایه‌گذاران، فصل نامه دانش انتظامی آذربایجان شرقی، سال چهارم، شماره دوم (پیاپی ۱۳).
- ساداتی، سید محمد‌مهندی (۱۳۹۰)، پلیس و پیش‌گیری از جرایم بدون بزهده، فصل نامه نظم و امنیت انتظامی، شماره اول، سال چهارم.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، دایره المعارف علوم اجتماعی، کیهان.
- ستوده گندشمنی، مجتبی؛ دیندار بوسحین، رفیه (۱۳۹۳)، رویکرد اجتماعی پلیس و تأثیر آن بر احساس امنیت خانواده‌ها، سال هفتم، شماره ۴، پیاپی ۲۳، ص ۳۱-۹.
- سیاسی، علی‌اکبر (۱۳۶۰)، روان‌شناسی جنایی.
- عبدالهی، اسماعیل، حسینی، سید‌کرامت (۱۳۹۵)، نقش و جایگاه نیروی انتظامی در پیش‌گیری از وقوع جرم و جنایت در چارچوب مفهوم (نظریه امنیت انسانی)، مجله علمی تخصصی علوم انسانی اسلامی، سال اول، شماره ۱۰، جلد ۵، ص ۵۰-۳۸.
- قناد، فاطمه (۱۳۹۱)، نقش پلیس زن در پیش‌گیری از جرایم علیه زنان و کودکان، فقه و حقوق خانواده، دوره ۱۷، ش ۵۶، ص ۱۱۵-۹۷.
- محمد نسلی، غلام‌رضا، (۱۳۸۷)، امنیت انسانی، پلیس و پیش‌گیری از جرم، همایش بین‌المللی امنیت انسانی در غرب آسیا.
- مقیمی، مهدی؛ رفتی اصل، سید عزیز (۱۳۸۹)، پلیس و راهبردهای وضعی پیش‌گیری از جرم، فصل نامه علمی - پژوهشی انتظام اجتماعی، سال دوم، شماره اول.
- موسوی‌فرد، سید محمدرضا؛ کرمی، عارف؛ مؤمنی، سجاد؛ امیدیان زاد، رضا (۱۳۹۶)، نقش پلیس در پیش‌گیری از جرایم و راهکارهای پیش‌گیری از جرم، مجله نخبگان علوم و مهندسی، جلد ۲، شماره ۳، ص ۶۴-۵۳.

